

## تأثیر تهاجم نظامی آمریکا به عراق بر قدرت هوشمند ایران در این کشور

محمدجعفر جوادی ارجمند<sup>۱</sup>

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۸ - تاریخ تصویب: ۹۳/۴/۲۴)

### چکیده

حملة آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ که به سقوط رژیم بعثی منجر شد، سرآغاز دوران جدیدی در روابط ایران با این کشور بود. فروپاشی حکومت صدام حسین، فرصتی استثنایی برای جمهوری اسلامی پدید آورد تا قدرت سیاسی و فرهنگی خود را در عراق گسترش بخشد. نفوذ ایران هم در بعد دیپلماسی رسمی و روابط صمیمانه با دولت جدید عراق مشهود بود و هم در بعد فرهنگی و غیررسمی که به قدرت نرم موسوم است. ایران با بهره‌گیری از قدرت نرم، ظرفیت‌های فرهنگی خویش را برای تسخیر افکار عمومی شهروندان عراقی به کار برد. در این مقاله با ترکیب متغیرهای دیپلماسی رسمی و غیررسمی به تشریح قدرت هوشمند ایران در این کشور می‌پردازیم. سؤال اصلی تحقیق این است که تهاجم آمریکا به عراق چه فرصت‌هایی را از منظر قدرت هوشمند برای سیاست خارجی ایران پدید آورده است؟ فرضیه ابتدایی نیز چنین است که دولت برآمده در این کشور با توجه به سوابق مشترک تاریخی، دینی و فرهنگی به سوی تهران گرایش پیدا کرد و به منطقه نفوذ ایران تبدیل شد.

### واژگان کلیدی

امنیت ملی، ایران، آمریکا، سیاست خارجی، عراق، قدرت نرم، قدرت هوشمند

## مقدمه

رہیافت مداخله‌جویانه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در خاورمیانه موجب امنیتی شدن منطقه و تهدید حاکمیت ملی کشورهای هم‌چون ایران شد. حضور نظامی آمریکا در عراق امنیت منطقه‌ای ایران را تحت‌الشعاع قرار داد و امکان طراحی حمله مشابهی از سوی آمریکا بر ضد کشورمان را مطرح کرد. از سوی دیگر، سقوط نظام بعثی که به مثابه رقیب منطقه‌ای ایران به شمار می‌رفت، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی آفرید.

برخی از آثاری که تاکنون در این خصوص به رشته تحریر درآمده است، هر کدام از زوایای مختلف به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ایران در عراق جدید پرداخته‌اند. از جمله کیهان برزگر در کتاب *سیاست خارجی ایران در عراق جدید* به شناسایی و فهم زمینه‌های فرصت‌سازی و چالش از ناحیه عراق جدید برای منافع ملی ایران می‌پردازد. لذا، سؤال اصلی وی بر محور دستیابی به راهبرد بهینه سیاست خارجی ایران در عراق شکل گرفته است. استدلال اصلی نویسنده این است که نقش عنصر شیعه در حوزه سیاست خارجی ایران باید در چارچوب ایجاد ارتباط استراتژیک در حاکمیت سیاسی عراق و از آن طریق فراهم کردن ظرفیت‌های همیاری در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - امنیتی صورت پذیرد.

حسین اکبری در کتاب *کابوس ژئوپلیتیک عراق: تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران* بحران‌های اخیر این کشور را با عنایت به تحولات کنونی و ریشه‌های قومی و مذهبی آن بررسی کرده است. نگارنده در این اثر کوشیده است، با اشاره به سابقه روابط دو کشور و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی، شاخص‌های قدرت راهبردی ایران را معین کند. از نکات قابل اشاره در این کتاب اینکه اشغال عراق تأثیری مستقیم بر قدرت منطقه‌ای ایران داشت، زیرا با تضعیف قدرت آمریکا در منطقه و هویت‌یابی و دستیابی شیعیان و کردهای عراق به حکومت در چندین انتخابات، عملاً قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافته است.

علی نادری دوست در کتاب *شیعیان عراق نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی عراق و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران* به بررسی موقعیت و قدرت شیعیان در عراق پیش و پس از سقوط صدام حسین اشاره می‌کند. این کتاب با بیان قیام‌ها و مبارزات شیعیان در تاریخ معاصر عراق آغاز می‌شود و جایگاه آنان را در ساختار سیاسی جدید با توجه به ابعاد منطقه‌ای و روابط آن با جمهوری اسلامی تحلیل می‌نماید. شایان ذکر است که قدرت گرفتن شیعیان در عراق موجب بیم محافظه‌کاران عرب و کشورهای غربی شده است و آثار این واژه را می‌توان در کاربرد مفهوم هلال شیعی<sup>۱</sup> مشاهده کرد که ملک عبدالله پادشاه اردن

---

1. Shia Crescent.

ابداع کرد (Wang, 2007: 66). این اصطلاح را سپس دیگر رهبران دنیای عرب و تحلیلگران غربی بسط دادند و ایران را به ایجاد بلوکی از کشورها و گروه‌های شیعی در برابر اهل سنت منطقه خاورمیانه متهم کردند. چنانکه نوام چامسکی با بیان آنکه بیشترین ذخایر انرژی خاورمیانه در منطقه‌ای موسوم به هلال شیعی قرار دارد، کنترل ایران بر این هلال را وحشتناک‌ترین کابوس آمریکا برمی‌شمارد. وی ایده هلال شیعی را برگرفته از دوران جنگ سرد می‌داند و معتقد است تهران در محور این هلال قرار دارد؛ هلالی که از ایران تا حزب‌الله در جنوب لبنان ادامه دارد و مناطق شیعی‌نشین جنوب عراق و سوریه را دربرمی‌گیرد. به اعتقاد چامسکی نفوذ ایران در هلال شیعی، تلاش آمریکا را برای کنترل منابع انرژی این منطقه به چالش می‌کشد. منابع مهم فسیلی جهان در مناطق شیعه‌نشین شامل جنوب عراق، مناطق هم‌جوار عربستان و ایران واقع شده است و بدترین کابوس برای واشنگتن این است که ائتلافی شیعی کنترل مهم‌ترین ذخایر نفت جهان را مستقل از آمریکا بر عهده گیرد (پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام، ۱۳۸۶).

در این نوشتار هدف آن است که با رد مفهوم هلال شیعی و تلاش ایران برای تسلط بر جهان اسلام، افزایش نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی در دولت جدید عراق را تحلیل کنیم. به‌خصوص آنکه در ساختار سیاسی جدید، نیروهای شیعی و کرد نقش اصلی را ایفا می‌کنند. هم‌زمان، ایران با پیگیری سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی به دنبال تسخیر افکار عمومی شیعیان و کردهای عراق برآمده است تا با بهره‌گیری از قدرت نرم به استحکام جایگاه خویش در عراق بپردازد. مجموعه این سیاست‌ها مؤلفه‌های قدرت هوشمند ایران در عراق را مطرح می‌کند. جهت‌گیری نگارندگان آن است که چنانچه به این مؤلفه‌ها در فرایند سیاست‌گذاری خارجی نسبت به عراق توجه کافی مبذول شود و در پی نهادینه کردن آن برای همیشه برآیند، هر حکومتی که در این کشور به قدرت برسد، ناگزیر از رعایت مصالح ایران خواهد بود و متحدان تهران در بغداد محور امنیت خارجی ایران به حساب خواهد آمد.

### چارچوب نظری

برای تشریح سیاست خارجی ایران در عراق جدید مباحث مربوط به قدرت هوشمند کارآمد است. پیش از طرح مفهوم قدرت هوشمند باید به تعریف قدرت نرم پرداخت که سابقه بررسی بیشتری در مطالعات اجتماعی دارد. مفهوم قدرت نرم<sup>۱</sup> را نخستین بار جوزف نای مطرح کرد که عبارت است از توانایی انجام اهداف خویش از طریق جذب دیگران به جای تهدید یا پاداش. وی این نوع قدرت را در برابر قدرت سخت قرارداد که بر اجبار متکی است و حول

1. Soft Power.

محورهای قدرت نظامی و اقتصادی رشد می‌کند (Nye, 2004: 1). قدرت سخت و نرم با یکدیگر در ارتباطند، زیرا هر دو جنبه‌هایی از قابلیت دستیابی به هدف به وسیله تأثیرگذاری در رفتار دیگران محسوب می‌شوند. در روابط بین‌الملل هنگامی که قدرت نظامی و اقتصادی کشوری کاهش می‌یابد، در واقع آن کشور نه تنها منابع قدرت سخت خویش را از دست می‌دهد، بلکه قابلیت تعیین اولویت‌های بین‌المللی و برخی جذابیت‌هایش نیز تقلیل می‌یابد. قدرت نرم در هر کشوری از سه منبع اصلی پدید می‌آید:

۱. فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای سایرین جذابیت دارد)؛ ۲. ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند)؛ ۳. سیاست خارجی در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد (نای، ۱۳۸۹: ۵۱-۴۴).

در مقابل، سوزان ناسل مفهوم قدرت هوشمند<sup>۱</sup> را به معنای ترکیب هدف‌مند و خردمندانه قدرت سخت و نرم برای مقابله با تهدیدات به کار می‌برد. وی معتقد است منابع اجباری و اقناعی شامل قابلیت‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی باید در یک جهت هماهنگ شوند تا نتیجه حاصل از آن تداوم اقتدار کشور را تضمین کند (Nossel, 2004). این سرمایه‌های قدرت هنگامی به قدرت هوشمند تبدیل می‌شوند که بتوانند در فرایندی متناسب به تغییر رفتار مطلوب در طرف مقابل منجر شوند. در این ادبیات نیروی نظامی، قدرت اقتصادی، ظرفیت و کارآمدی نظام سیاسی در مواجهه با چالش‌ها، جذابیت‌های فرهنگی و ابزارهای رسانه‌ای زمانی به قدرت تبدیل می‌شوند که طرف مقابل را با قدرت ارعاب و تهدید یا جذابیت و مشروعیت وادار به کنش مطلوب کنند (مطهرنیا، ۱۳۸۹: ۹). در ادبیات روابط بین‌الملل واقع‌گرایان بر قدرت سخت دولت تأکید می‌ورزند و لیبرال‌ها چهره نرم قدرت را کارآمدتر می‌پندارند. در این میان نظریه‌پردازان قدرت هوشمند گرچه بر اهمیت مستمر قدرت نظامی برای نیل به برخی خواسته‌های بازیگران در دنیای کنونی تأکید دارند، این ایده را رد می‌کنند که قدرت سخت باید اساس جهت‌گیری دولت‌ها در عرصه بین‌المللی باشد.

ایالات متحده پیشروی بهره‌گیری از قدرت هوشمند در تأمین منافع ملی بوده است؛ اما دیگر کشورهای جهان نیز به فراخور قدرتی که در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند می‌توانند از شیوه‌های قدرت نرم برای کسب وجهه بین‌المللی استفاده کنند. در مورد ایران باید گفت که جمهوری اسلامی با توجه به سابقه عظیم تمدنی و فرهنگی، تشکیل دولت اسلامی و حاکمیت ارزش‌های دموکراتیک در چارچوب دین از هر دو قسم قدرت سخت و نرم برای پیشبرد سیاست خارجی خویش بهره برده است. پس از تشکیل دولت جدید عراق، ایران رسماً از ایجاد حکومتی باثبات، امن و مستقل حمایت کرد که در عین دوستی با ایران

مایل به کاهش نفوذ ایالات متحده در تحولات داخلی این کشور باشد. به همین دلیل نیز ایران اولین کشوری بود، که شورای انتقالی را به رسمیت شناخت و با دولت موقت عراق رابطه سیاسی برقرار کرد. جمهوری اسلامی در صدد برآمد تا از مؤلفه‌های قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر تحولات عراق استفاده کند و تلاش کرد تا شیعیان این کشور به حقوق تزییع شده خویشت دست یابند (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۹). در ادامه به راهبرد ایران برای افزایش قدرت هوشمند در عراق می‌پردازیم. اما پیش از آن، روابط ایران و عراق قبل از سقوط صدام حسین را بررسی می‌کنیم.

### روابط ایران و عراق از ابتدای انقلاب اسلامی تا زمان سقوط صدام

ایران و عراق به دلیل وسعت و جمعیت بیشتر، منابع طبیعی سرشار، موقعیت ژئوپلیتیکی حساس و امکانات نظامی، قدرت‌مندترین کشورهای حوزه خلیج فارس محسوب می‌شوند. این قدرت در برهه‌هایی به کار مسابقه تسلیحاتی یا جنگی کلاسیک میان دو طرف می‌آمد، چنانکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۰۳ روابط ایران و عراق در بستری از تهدیدات نظامی و رقابت‌های سیاسی سپری شده است. جنگ تحمیلی بارزترین نمود تخاصم مسلحانه بین دو کشور است که یکی از دلایل آن ادعای عراق در مورد حاکمیت کامل بر اروندرود بود. تا پیش از قرارداد الجزایر، صدام بارها این مسئله را مطرح کرد و مرز دو کشور را ساحل ایران و نه امتداد خط تالوگ<sup>۱</sup> می‌دانست. اما طی اجلاس سران اوپک در الجزایر با پذیرش خط‌القعر به عنوان معیاس تعیین حدود مرزی، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد (کاوینانی‌راد و بویه، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۰). با وقوع انقلاب اسلامی در ایران بار دیگر میان ایران و عراق در این زمینه اختلافاتی به وجود آمد.

از سوی دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی موازنه قوا را در منطقه خلیج فارس به نفع عراق تغییر داد. سقوط شاه پهلوی که ژاندارم غرب در منطقه بود، خلأ قدرتی پدید آورد که صدام حسین را برای دستیابی به جایگاه پیشین ایران به تحرک واداشت. همچنین، تبلیغات منفی دول غربی در مورد صدور انقلاب ایران، کشورهای سلطنتی عربی را به وحشت انداخت. آن‌ها به همراه آمریکا در پی حمایت از صدام برآمدند تا ایران انقلابی را که دارای وضعیت متشنج سیاسی و اختلافات داخلی بود ساقط کنند.

عامل دیگری که در آغاز جنگ عراق علیه ایران مؤثر بود، متهم کردن ایرانی‌ها از سوی

۱. در اصطلاح خط تالوگ یا خط‌القعر به مفهوم عمیق‌ترین بخش رود به کار می‌رود. تقسیم بر مبنای خط تالوگ در رودخانه‌های قابل کشتیرانی مرسوم است. در این حالت خط تقسیم از وسط عمیق‌ترین قسمت رود می‌گذرد و آن را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند و به عنوان خط مرزی در نظر گرفته می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۷: ۲۰۳).

عراق به تشویق شورش علیه رژیم بعثی و سرنگونی آن است. نظام سیاسی جدیدی که در ایران بر اساس اندیشه دینی پایه‌گذاری شده بود، به طور طبیعی برای مسلمانان منطقه و عراق حامل پیام بود. نقش رهبران و گروه‌های معارض عراقی با تأثیرپذیری از انقلاب ایران، یکی از عوامل شتاب‌زایی است که تصمیم دولت عراق را برای حمله به ایران تسریع کرد. به همین منظور، رهبران عراق نیز از اواسط سال ۱۳۵۸ تهییج و پشتیبانی از حرکت‌های جدایی‌طلبانه در خوزستان و کردستان ایران را تعقیب کردند (ابوالحسن شیرازی و طارمی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). در طول جنگ دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، کشورهای اروپایی و عربی به حمایت دیپلماتیک، تسلیحاتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی از صدام حسین پرداختند، اما عراق به هیچ یک از اهداف خویش دست پیدا نکرد و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران مجدداً موازنه قوا بین طرفین برقرار شد. ضمن اینکه صدام نیز مجبور به پذیرش قرارداد الجزایر شد.

این موازنه در مواقعی کفه ترازو را به نفع ایران سنگین‌تر کرد، زیرا با حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۱ فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اعمالی بر ضد این کشور افزایش یافت. البته، با توجه به اینکه ایران و عراق قدرت‌مندترین دولت‌های خلیج فارس بودند، برقراری صلح نسبی بین آن‌ها امنیت منطقه را نیز تأمین می‌کرد. هر دو کشور پس از جنگ همچنان روابط خویش را حفظ کردند و درباره مسائل اوپک، فلسطین و آمریکا مواضع مشترکی اتخاذ کردند. بغداد از تلاش‌های ایران برای جلوگیری از جنگ عراق با متحدین به رهبری آمریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰، مخالفت با تجزیه عراق و اعتراض به تحریم‌های سازمان ملل رضایت داشت؛ هر چند ایران از این تحریم‌ها پشتیبانی ضمنی می‌کرد. علی‌رغم پایان جنگ ایران و عراق، برخی اختلافات میان دو کشور همچنان حل نشده باقی‌ماند. در کنار اختلافات سیاسی بین دو کشور، مسائلی همچون میله‌گذاری خطوط مرزی، انعقاد قرارداد صلح، لایروبی اروندرود، تعیین فلات قاره و پرداخت غرامات جنگی بر روابط ایران و عراق سایه افکند. برای مثال، طبق بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ درباره تعیین آغازگر جنگ، دبیرکل وقت سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ گزارشی به شورای امنیت ارائه داد و عراق را آغازگر جنگ معرفی کرد. در نتیجه عراق باید خسارت‌های وارد به ایران را جبران می‌کرد. هیئت بازرسی سازمان ملل برآوردهایی به عمل آورد که طبق آن‌ها خسارت‌های ایران در اثر جنگ، بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار بود. اما شورای امنیت که باید ضامن اجرای قطعنامه باشد، به این موضوع - برخلاف اقدام به جبران خسارت کویت - توجهی نکرد (رمضان‌زاده، ۱۳۸۹).

همچنین، وجود گروه‌های معارض هر کشور در قلمرو یکدیگر از مهم‌ترین مسائل فی مابین بود. معارضان عراقی شامل مجلس اعلای انقلاب اسلامی، حزب‌الدعوه و کردهای مخالف رژیم صدام، ارتباط نزدیکی با جمهوری اسلامی برقرار کردند. این گروه‌ها در قالب

سپاه ۹ بدر و پیش‌مرگ‌های کرد اتحاد نظامی با ایران ارتباط برقرار و عملیات بسیاری را علیه ارتش عراق طراحی کردند (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۲۲). از سوی دیگر، با استقرار سازمان مجاهدین خلق در عراق این گروه به طور کامل در راستای سیاست‌های صدام و بر ضد منافع مردم عمل کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن نجات). آن‌ها با همکاری اطلاعاتی، تبلیغاتی و نظامی با صدام حسین در شکنجه اسرای ایرانی، شناسایی شهرهای ایران هنگام بمباران جنگنده‌های ارتش عراق و سرکوب اکراد شمال این کشور مشارکت داشتند (فوزی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). همچنین، در پایان جنگ، سازمان با تصور اینکه ایران با پذیرش قطعنامه به بن‌بست سیاسی، نظامی و اقتصادی رسیده و از حیث نظامی و روحیه عملیاتی و تدافعی ضعیف شده است، عملیات به اصطلاح «فروغ جاویدان» را با هدف پیشروی مستقیم به سمت تهران و سقوط حکومت مرکزی طراحی کردند که به شکست انجامید<sup>۱</sup> (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۳۱۸-۳۰۴). پس از برقراری آتش‌بس نیز مجاهدین خلق همچنان در پناه حزب بعث عراق و به عنوان مزدوران خارجی رژیم در قرارگاه اشرف سکنی گزیدند و منافع سازمان با حزب بعث چنان درهم تنیده شد که تنها حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام حسین می‌توانست به حیات خشونت‌بار منافقان پایان بخشد. در ادامه به علل حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به اختصار اشاره می‌شود.

### علل تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳

سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰ که محور آن جلوگیری از پیروزی نیروهای ایرانی بر ارتش عراق و توسعه نفوذ ایران در منطقه بود، تأثیر بسزایی در هموار کردن راه عراق جهت پیشبرد برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی داشت. در دوران جنگ، عراق به اشکال مختلف تشویق شد تا برای تبدیل شدن به وزنه‌ای در برابر ایران تسلیحات کشتار جمعی تولید کند. در طول این دهه صادرات کالاهای دومانظوره آمریکایی به عراق برای ساخت این سلاح‌ها افزایش یافت. این حمایت‌ها عواقب وخیمی برای مردم عراق و کشورهای منطقه داشت، به گونه‌ای که صدام با نظامی‌گری در داخل و ماجراجویی در منطقه، به کویت حمله برد و شرایطی را پدید آورد که منافع حیاتی غرب در منطقه به خطر افتاد. از این پس با ورود شورای امنیت، اقدامات بی‌سابقه‌ای علیه عراق آغاز شد که تا سال ۲۰۰۳ استمرار یافت.

طی این سال‌ها ۷۱ قطعنامه بر ضد عراق صادر شد، که با اعمال تحریم‌ها و ایجاد محدودیت‌های بسیار، ضمن تحقیر رژیم بعث، مردم عراق را نیز در تنگنا قرارداد. هدف این

۱. این عملیات در مرداد ۱۳۶۷ آغاز شد. این گروه در مسیر پیشروی خود در شهرهای استان کرمانشاه با مقاومت ارتش و سپاه پاسداران و هجوم سیل نیروهای مردمی با فراخوان رهبر ایران آیت‌الله خمینی مواجه و هزیمت شدند (همان منبع، ۳۲۳).

تحریم‌ها جلوگیری از تعرض عراق به سایر کشورها و نهایتاً خلع سلاح آن کشور بود (عرشیان، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴). بدین منظور، کمیسیون ویژه سازمان ملل تشکیل شد. لیکن روند بازرسی‌ها نتایج مورد نظر را به وجود نیاورد، زیرا مقامات عراقی گرچه به ظاهر مسئله خلع سلاح را پذیرفتند، اما همواره کوشیدند تا به نحوی سازمان‌یافته از اجرای تعهداتشان بگریزند. شورای امنیت بارها به اتفاق آرا دولت عراق را محکوم و به نقض فاحش تعهدات خویش متهم کرد. این روند در نهایت با توقف همکاری عراق با بازرسان و خروج آن‌ها از عراق در ۱۹۹۸ به پایان رسید (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

مجموع این مسائل، موجب تغییر دریافت‌های آمریکا از نحوه برخورد با عراق شد و زمینه‌های تهاجم نظامی به این کشور را فراهم آورد. در این راستا مهم‌ترین عواملی که موجب سرنگونی صدام شد، عبارت بود از پیگیری سیاست دستیابی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، پیشینه صدام در کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، سرکوب و کشتار فجیع مخالفان در داخل (از گروه‌های گوناگون نژادی، قومی و مذهبی)، تجاوز به خاک همسایگان و جنگ‌افروزی در منطقه (عرشیان، ۱۳۸۸: ۵۱). از دیگر عوامل مؤثر در لشکرکشی آمریکا به عراق به‌کارگیری حربه حقوق بشر بود. از این دیدگاه، تهاجم به عراق همانند افغانستان مداخله‌ای بشردوستانه بود (Kurth, 2006: 88). بهانه جورج بوش آن بود که صدام خطری برای مردم عراق و آمریکاست. صدام، همچنین تهدیدی برای هم‌پیمانان غرب در منطقه خاورمیانه مثل کشور نفت‌خیز عربستان و اسرائیل، خطری برای محموله‌های نفتی خلیج فارس و ثبات منطقه‌ای به شمار می‌رفت. بنابراین، جورج دبلیو بوش در «بیانیه اتحاد» خود به کنگره در ژانویه ۲۰۰۲ این احتمال را مطرح کرد که برای براندازی دولت عراق از زور استفاده خواهد کرد (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). بدین منظور ابتدا مسئله عراق را در شورای امنیت مطرح کرد. در شورای امنیت، انگلیس و آمریکا در برابر جبهه مخالفان (فرانسه، آلمان، روسیه، چین و اکثریت اعضای غیردائم شورا) قرار گرفتند و بدین ترتیب رایزنی‌های سیاسی برای تحکیم اجماع بین‌المللی علیه عراق به شکست انجامید. اما رئیس‌جمهور آمریکا بدون در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی و به صورت یک‌جانبه و مغرور از پیروزی آسان بر دولت طالبان، در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ فرمان جنگ با عراق را صادر کرد و آن را جنگی برای رهایی ملت عراق از چنگ دیکتاتوری صدام خواند (ایروانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

آمریکا از این لشکرکشی اهداف مختلفی را در سر می‌پروراند؛ اما نه‌تنها به بسیاری از مقاصد خویش در عراق دست نیافت، بلکه با چالش‌های نوینی در این کشور مواجه شد. از جمله این چالش‌ها به قدرت رسیدن شیعیان در عراق بود. با سرنگونی حکومت صدام در آوریل ۲۰۰۳، شیعیان با فرصتی تاریخی در حیات سیاسی خویش روبه‌رو شدند. فشار شدید و

مضاعفی که رژیم بعث پس از سال ۱۹۶۸ بر آن‌ها وارد می‌آورد و موجب تضعیف شیعیان شده بود از بین رفت (خواجه‌سروی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۴). با سقوط صدام حسین، به حاکمیت حزب بعث و اقلیت سنی بر شیعیان خاتمه داده شد. در ابتدا، با تشکیل شورای حکومتی، رهبران عمده مذهبی، سیاسی و ملی عراق به صحنه قدرت آمدند.

با برگزاری انتخابات مجلس ملی در فوریه ۲۰۰۶ و در پی آن تشکیل دولت ملی این کشور با نخست وزیر ابراهیم الجعفری و پس از وی نوری المالکی (که هر دو از نیروهای وابسته به جریان شیعیان حزب‌الدعوه بودند) دوره جدیدی از تاریخ سیاسی و مردمی عراق و جنبش شیعی آن آغاز شد (نادری، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴). در شرایط جدید با تغییر ساخت قدرت و سیاست در عراق، فرصت‌های جدیدی برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شد. در سطح ملی و روابط دوجانبه، حضور شیعیان در رأس قدرت، زمینه‌های ایجاد روابط استراتژیک مبتنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی-امنیتی را فراهم ساخت. همچنین، حجم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف همچون ارتباطات رسانه‌ای، گردشگری مذهبی، تبادلات دانشگاهی و سمینارهای علمی، گسترش ارتباطات در حوزه‌های علمی افزایش یافت. در سطح منطقه‌ای، بیش از هر چیز تقویت عنصر شیعه در عراق جدید، نقش مهمی در متعادل کردن روابط ایران با ملت‌های شیعی منطقه و با جهان عرب داشت. در شرایط جدید، شیعیان که به تعبیر گراهام فولر، متخصص مسائل خاورمیانه، مسلمانان فراموش شده بودند یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در مسائل منطقه وارد عرصه تحولات این منطقه شدند (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱).

### قدرت هوشمند ایران در عراق

#### برقراری روابط صمیمانه با دولت عراق

یک سال قبل از حمله آمریکا به عراق، ایران تماس‌های بین مجلس اعلای انقلاب اسلامی و احمد چلبی، رهبر گروه اصلی مخالف رژیم عراق (و مورد حمایت آمریکا یعنی حزب کنگره ملی عراق<sup>۱</sup>) را تشدید کرده بود. همچنین، چلبی به همراه جلال طالبانی از حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق برای دوری از نشست‌ها درباره عراق پس از صدام به تهران سفر کرد (احشامی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). چنین ارتباطاتی بیانگر آن بود که ایران در بخش‌های اصلی اپوزیسیون عراق نفوذ دارد و پس از برکناری حکومت بعث نیز دامنه فعالیت‌هایش را گسترش می‌بخشد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ ائتلاف عراق یکپارچه از اتحاد شانزده گروه شیعی تشکیل شد. این ائتلاف بیشتر گروه‌های شیعه طرفدار ایران از جمله حزب‌الدعوه، کنگره ملی عراق،

1. The Iraq National Congress.

مجلس اعلاى انقلاب اسلامى و سازمان عمل اسلامى را تحت حمايت سيد عبدالعزيز حكيم و آيت الله سيستاني دربرمى گرفت. اين تشكّل در انتخابات مذکور پيروز ميدان بود. سپس، جريان صدر نيز وارد اين ائتلاف شد (حائرى قزوينى، ۱۳۸۹: ۵۷). ابراهيم جعفرى كه در گذشته دبير كل حزب الدعوة بود، رياست حكومت انتقالى و نخست وزيرى عراق را بر عهده گرفت (نادرى دوست، ۱۳۸۶: ۲۶۵). در انتخابات دوره بعد نيز شيعيان هر چند يكپارچگى پيشين را نداشتند، در مجموع در قالب چند فهرست مختلف اكثريت كرسى هاى پارلمان را در اختيار گرفتند و در رقابتي سياسى بين ائتلاف قانون به رهبرى نورى المالكي و ليست العراقيه به رياست اباد علاوى، در نهايت مالكي به نخست وزيرى برگزيده شد (خالدى و ديگران، ۱۳۹۱: ۵۶۹).

ايران در چارچوب سياست حكيمانه خويش، اولين كشورى بود كه دولت انتقالى را به رسميت شناخت و در جهت پيشرفت روند سياسى اين كشور به ويژه تدوين قانون اساسى و ايجاد نهادهاى مدنى و تثبيت امنيت در عراق نقش فعالى ايفا كرد. همچنين، در بين كشورهاى همسايه بيشترين كمكها و حمايت هاى مالى و امنيتى از مردم عراق را تأمين كرد و بازسازى برخى شهرها و مناطق آن را بر عهده گرفت. در سطح بين المللى نيز تهران همواره در تلاش بود تا عراق را از بحران به وجود آمده رهايي بخشد. به همين دليل در نشست هاى صلح عراق فعالانه شركت كرد و خود نيز به عنوان ميزبان، همه همسايگان عراق را گردآورد و در جهت استقرار امنيت در آن كشور گام برداشت. بالاخره اينكه ايران براى نشان دادن حسن نيت خويش به عراق، تقاضاى عبدالعزيز حكيم رئيس مجلس اعلا را جهت گفتگو با مقامات آمريكايى پذيرفت. اين مذاكرات در سه مرحله و براى بررسى راه هاى تأمين امنيت در عراق و مبارزه با تروريسم صورت گرفت (مريجي، ۱۳۸۷: ۳۳۰-۳۲۹). به طور كلّى، ايران در سال هاى اشغال با محكوم كردن پديده اشغال عراق و تميز قائل شدن بين مقاومت سياسى صحيح در مقابل اشغالگرى با عمليات تروريستى، همواره مدافع حقوق بنيادين ملت عراق بوده است.

### ارتباطات با گروه هاى سياسى و مدنى عراق

**شيعيان.** نخستين عامل نفوذ ايران در شيعيان، احزاب عراقى اند كه پس از سرنگونى رژيم بعث از تبعيد در ايران به كشورشان بازگشتند. مهم ترين گروه شيعه مجلس اعلاى انقلاب اسلامى بود كه رهبرى آن را آيت الله سيد محمدباقر حكيم بر عهده داشت و با ترور او در سال ۲۰۰۳ سيد عبدالعزيز حكيم به دليل اشراف بر تمامى فعاليت هاى حزبى، به اداره آن پرداخت. اين گروه كه از پشتيبانى ايران برخوردار است، قدرت مندترين سازمان سياسى شبه نظامى مخالف صدام بود و در شوراي ملي عراق نيز عضويت داشت. اهميت مجلس اعلا بيشتر به خاطر قدرت نظامى آن است كه در چارچوب سپاه بدر سازمان دهى شده است. از سال هاى پيش

ایران حمایت مالی و تجهیزاتی از آن به عمل می‌آورد و کنترل اساسی بر ساختار نظامی سازمان داشت. در میان گروه‌های شیعی، این گروه هم‌اکنون بیشترین پست‌های مدیریتی در دولت و پارلمان را تصاحب کرده و اعضای ارشد سپاه بدر نیز در ساختارهای نظامی و انتظامی جدید فعال‌اند. مجلس اعلا در دوران اشغال نیز گرچه مخالف مبارزه مسلحانه با متجاوزان بود، منتقد عملکرد آمریکا در عراق به شمار می‌رفت. این گروه بیشترین هماهنگی را با مراجع تقلید به ویژه آیت‌الله سیستانی انجام می‌دهد (نادری دوست، ۱۲۱-۱۱۸).

حزب‌الدعوه نیز که با سابقه‌ترین حزب شیعی عراق است و در گذشته بخشی از حملات نظامی به نیروهای بعثی را سازماندهی می‌کرد، از دیگر گروه‌های قدرت‌مند در ساختار سیاسی جدید عراق است. هم‌اکنون رهبری بزرگ‌ترین شاخه آن را ابراهیم جعفری، نخست وزیر پیشین، بر عهده دارد. حزب‌الدعوه به همراه مجلس اعلا بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی را در سال‌های اخیر تشکیل داده و همواره درون دولت نیز چند وزیر داشته است (بیلاقی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). این گروه، با ایران همگرایی سیاسی دارد و به حکومت اسلامی گرایش نشان می‌دهد (برنابلدی، ۱۳۸۲: ۱۷۱). این جریان هم‌اکنون روابط نزدیکی با آیت‌الله سیستانی دارد و مشی میانه‌روی دموکراتیک را در عرصه سیاسی این کشور دنبال می‌کند (شاناهان، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

از دیگر گروه‌های عمده عراقی که در سال‌های ابتدایی ظهور آن ارتباطش با ایران کم بود، اما پس از اشغال به یکی از پایگاه‌های نفوذ ایران در عراق تبدیل شد، جریان صدر است. موضع این گروه در ابتدای حضور آمریکا و متحدانش در عراق نسبت به ایران مبهم بود. در این زمان رهبر این جنبش، مقتدا صدر، مجلس اعلا و حزب‌الدعوه را به خاطر ماندن در ایران در دوران حکومت بعثی‌ها سرزنش می‌کرد و حتی آیت‌الله سیستانی را به سبب ایرانی‌الاصل بودن تحقیر می‌کرد. اما در سال‌های بعدی دیدگاه جریان صدر نسبت به ایران تغییر کرد و روابط آن‌ها با جمهوری اسلامی افزایش یافت (هشت جین و حیدر خانی، ۱۳۹۱: ۲۵۸-۲۵۷). این گروه تندروترین عنصر سیاسی شیعی در عراق است و کوشیده است با بهره‌گیری از فضای شبه‌انقلابی عراق نقشی مؤثر در ساختار سیاسی آینده آن داشته باشد. مقتدا صدر گرچه متمایل به جنگ نظامی با اشغالگران خارجی بود، در نهایت با مخالفت علمای شیعه مجبور شد همگرایی بیشتری به سیاست‌های ائتلاف شیعیان به ویژه مرجعیت و حوزه علمیه نجف از خود نشان دهد.

در بررسی گفتمان شیعی در عراق پس از صدام باید به نقش مرجعیت دینی نیز اشاره کرد. آغاز نقش‌آفرینی مرجعیت در تحولات سیاسی به میانجی‌گری آیت‌الله سیستانی در برقراری آتش‌بس بین ارتش المهدی و نیروهای آمریکایی در نجف بازمی‌گردد. همچنین، آمریکا به رغم درخواست برگزاری انتخابات غیرمستقیم، هنگام مواجهه با مخالفت شدید آیت‌الله سیستانی از

خواسته‌اش عدول کرد و به انتخابات مستقیم تن داد. پس از آن نامزدهای ائتلاف عراق یکپارچه را در انتخابات پارلمانی تأیید کرد (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۵۷). این موضوع بیانگر اوج قدرت اجتماعی مرجعیت در عراق بود که توجه ناظران سیاسی را به جایگاه روحانیت در این کشور معطوف کرد (مریجی، ۱۳۸۷: ۳۳۸-۳۳۷). آیت‌الله سیستانی در سال‌های بعد از مرجعیت، ضمن مخالفت با اشغال عراق و اقدامات خصمانه آمریکایی‌ها و گروه‌های تروریستی، همسو با موضع ایران خواستار خروج نیروهای بیگانه از خاک کشورشان بود. به طور کلی، علمای حوزه نجف نقشی کلیدی در جلوگیری از گسترش اختلافات قومی و مذهبی در عراق داشتند و همواره موضعی اصولی برای ایجاد وحدت میان گروه‌های عراقی اتخاذ کرده‌اند.

**کردها.** مردم کردستان علی‌رغم گرایش ناسیونالیستی شدید، نسبت به ایران حسن نیت دارند و بین آن‌ها و ایرانیان، پیوسته احساسات قومی مشترک وجود داشته است. اعضای حزب دموکرات کردستان و حزب میهنی کردستان بارها بر ضرورت حفظ روابط با تهران تأکید کرده و از کمک‌های ایران به کردها پس از حملات شیمیایی صدام به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و نیز پس از سرکوب شورش کردها در آوریل ۱۹۹۱ تشکر کرده‌اند. در بعد اقتصادی نیز ایران روابط خود با کردستان را گسترش داده و از زمان سقوط رژیم بعثی، تجارت مرزی را رونق بخشیده است. در این راستا سرمایه‌گذاری ایران در سلیمانیه در بخش‌های زیرساختی و ارتباطات انجام گرفته است. کردها همچنین به واردات گاز ایران وابسته‌اند و از سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایرانی در این بخش استقبال می‌کنند (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲).

### فعالیت‌های اقتصادی ایران در عراق

مناطق مهمی مانند مرزهای آبی ایران و عراق در اروندرود و محورهای مرزی مثل شلمچه، خسروی و مهران ظرفیت‌های بسیاری را برای گسترش روابط اقتصادی فراهم می‌کنند. وجود فرصت‌های بالقوه اتصال خطوط آهن دو کشور، گسترش ارتباطات دریایی و زمینی از مزیت‌های قابل اشاره در این زمینه است. روابط تاریخی ایران و عراق نیز به عنوان دو قطب تمدنی، موجب شکل‌گیری نیازهای متقابل تجاری برای طرفین شد. بنابر آمارها در سال ۲۰۰۳ ارزش کل صادرات ایران به عراق حدود ۷۱۸ میلیون دلار بود که کمتر از ۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را دربرمی‌گرفت. صادرات عراق به ایران نیز که عمدتاً شامل صادرات مجدد کالاهای خارجی از خاک این کشور می‌شد، بالغ بر ۲۵ میلیون دلار در همان سال بود. این شاخص‌ها در سال‌های بعد افزایش چشمگیری یافت، به طوری که در سال ۱۳۹۰ میزان صادرات ایران به عراق ۵۱۴۹ میلیون دلار شد (سایت سازمان توسعه تجارت ایران، آبان ۱۳۹۱).

اما مهم‌ترین بسترهای فعالیت اقتصادی ایران در عراق بدین شرح است: ۱. بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی و پالایشگاه‌های نفت و گاز و پتروشیمی؛ ۲. گسترش شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز؛ ۳. ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه منابع آبی؛ ۴. ساخت و بازسازی شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و راه‌آهن (در این خصوص طرح‌های اجرایی برای اتصال محور راه‌آهن خرمشهر، شلمچه و بصره و محور راه‌آهن اراک، کرمانشاه، خسروی به محور خانیقین - بغداد صورت گرفته است)؛ ۵. ساخت کارخانه‌های سیمان و مواد ساختمانی. در کنار بخش‌های مذکور، حوزه‌های دیگر فعالیت ایران همچون ارتباطات مخابراتی، بخش خدمات فرودگاهی و بنادر و گمرک و امکان اعزام متخصصان ایرانی در رشته‌های مهندسی و رایانه، بانکداری، پزشکی، کشاورزی و سیستم‌های آبیاری و بیمه وجود دارد. در حال حاضر بسیاری از اقلام ایرانی با استقبال مشتریان و مصرف‌کنندگان در مناطق شیعی روبه‌روست. در منطقه کردستان نیز عمده تجارت و فعالیت‌های اقتصادی در طول مرزها و به صورت تجارت پیله‌وری و سستی در شعاع مناطق اطراف سلیمانیه و کردستان و مهران است (برزگر، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۴).

#### گسترش قدرت شیعیان در منطقه

تشکیل حکومتی شیعه در عراق در راستای تغییر موازنه منطقه‌ای به سود ایران بود، زیرا کشورهای عرب سنی همچون عربستان، مصر و اردن همگی هم‌پیمان آمریکایند و سلطه‌ای طولانی‌مدت در منطقه داشتند. آمریکا با برکناری دیکتاتور سنی، موازنه قدرت را در منطقه تغییر داد و سیاستمداران جدید عراقی برخلاف انتظار واشنگتن، به گسترش روابط با تهران تمایل نشان می‌دهند. از سوی دیگر تحولات جدید منطقه که با رستاخیز شیعیان در بحرین، یمن و عربستان همراه بود، موجب سیاسی شدن بیش از پیش شیعیان در منطقه شد و فضای مناسب‌تری را برای تبدیل قدرت جمعیتی شیعیان به قدرت سیاسی به وجود آورد. حتی در سیاست خارجی کشورهای شیعه مذهب نیز نوعی همگرایی با تکیه بر ملاحظات عقیدتی وجود دارد، که زمینه گسترش روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی این کشورها را فراهم می‌سازد.

#### ارتباطات فرهنگی دو کشور

اشتراکات فرهنگی - تاریخی، پیوندهای دینی، وجود اماکن مقدس مذهبی و حوزه علمیة نجف، بزرگ‌ترین پایگاه علمی مکتب تشیع در عراق، موجب اهمیت فرهنگی این کشور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است. مطابق پیش‌بینی‌ها با سقوط صدام، روابط دینی و تجاری ایران و عراق و حضور زائران ایرانی در اماکن زیارتی آن، به سرعت افزایش

یافت. در این مدت، سالانه بیش از ۲ میلیون زائر ایرانی برای زیارت عتبات عالیات به عراق سفر کردند و بیش از نیمی از این تعداد، گردشگر و زائر عراقی نیز برای مسافرت به ایران آمدند. این امر بیانگر اهمیت حیاتی گردشگری مذهبی در توسعه روابط سیاسی و اجتماعی دو کشور است. همچنین، به دنبال سقوط رژیم بعثی در سال ۱۳۸۲ ستاد بازسازی عتبات عالیات و پشتیبانی عراق در تهران تشکیل شد. فعالیت‌های این ستاد بر بازسازی عتبات عالیات و اماکن مذهبی عراق متمرکز شده و هم‌اکنون واحدهای اجرایی، فنی-مهندسی و خدماتی در شهرهای کربلا، نجف، کاظمین و سامرا مستقرند (سایت ستاد بازسازی عتبات عالیات، ۱۳۹۲). بخش دیگری از فعالیت‌های ایران در زمینه فرهنگی-مذهبی را می‌توان در حوزه عملکرد سازمان حج و زیارت جستجو کرد که در عراق نمایندگی‌هایی دایر کرده است. این سازمان با زائران ایرانی مقیم کشورهای دیگر و نیز شیعیانی که از مناطق مختلف جهان به این کشور سفر می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کند و هر ساله تعداد زیادی، مبلغ دینی به شهرهای زیارتی عراق اعزام می‌کند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

از دیگر مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق، انجام پروژه‌های زیربنایی نظیر ساخت مدارس دینی و علمی و بیمارستان و درمانگاه است، که عمدتاً در جنوب عراق و مناطق شیعه‌نشین این کشور متمرکز است. این اقدامات بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم جنوب عراق است. در حوزه رسانه‌ای نیز سیاست ایران در جهت انعکاس ویرانی‌های جنگ و ناتوانی نیروهای اشغالگر از تأمین امنیت و جلوگیری از کشتار مردم عراق قرار گرفت. شبکه عرب‌زبان العالم، متعلق به سازمان صدا و سیما، چنین رویکردی را دنبال می‌کند. همچنین، با راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی مانند *الفرات* وابسته به مجلس اعلای انقلاب اسلامی، *الزهرا* وابسته به جناح صدر و نشریات هوادار حزب‌الدعوه که همگی به نوعی با ایران احساس قرابت می‌کنند، تا حدودی به ایجاد حس مشترک شیعی بودن تهران-بغداد کمک شد (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

## نتیجه

هر چند مقامات آمریکایی خروج نیروهای این کشور از عراق را پیروزی ایران برآورد می‌کردند، واقعیت آن بود که ایران از همان ابتدای سقوط صدام به دنبال کسب جایگاه و منافع ملی خویش در میان گروه‌های عراقی برآمد. پیامد سقوط رژیم بعث پدید آمدن نظام جدید منطقه‌ای در غرب آسیا بود. بر این اساس مداخله قدرت‌های بزرگ برای تغییر حکومت عراق نتیجه مطلوبی را برای آنها در پی نداشت، بلکه این ایران بود که با بهره‌گیری از خلأهای ناشی از سقوط حکومت رقیب، به تعریف جدیدی از منافع ملی خویش پرداخته و فرصت‌های

جدیدی را برای سیاست خارجی خویش پدید آورد. ایران بر اساس پیوستگی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در عراق، سیاست‌های جدیدی را طراحی کرد که حاصل آن اتحاد منطقه‌ای و راهبردی دو کشور شد. این سیاست‌ها موجب پیشبرد منافع ملی و بیشینه کردن امنیت منطقه‌ای ایران بر اساس مدل قدرت هوشمند شد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله و کامران طارمی (۱۳۸۴)، نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق (۱۳۷۸-۱۳۷۵). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۶)، «جایگاه بین‌المللی ایران پس از سقوط بغداد»، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و روح الله طالبی آرانی در: مجموعه مقالات کتاب چشم اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام. به کوشش احمد سلطانی‌نژاد و امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳. احدی، افسانه (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی آمریکا و قدرت نرم ایران در صحنه عراق. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۴. احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۵. احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، شورای امنیت سازمان ملل و مسئله خلع سلاح عراق. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. اکبری، حسین (۱۳۸۸)، کابوس ژئوپلیتیک عراق: تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۷. ایروانی، امیرسعید (۱۳۸۸)، «عملیات آمریکا در عراق و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۲.
۸. برنابلدچی، سیروس (۱۳۸۲)، «ایالات متحده و نقش شیعیان در فرآیند دولت سازی و نظام سیاسی عراق نوین» در: مجموعه مقالات کتاب آمریکا (۲) ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۹. برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، سیاست خارجی ایران در عراق جدید. تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
۱۰. جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۵)، سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴) (۳). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد سوم.
۱۱. حائری قزوینی، یاسر «رکورد زنی در ماراتن سیاسی جهان»، ماهنامه زمانه، ش ۸، (دی ۱۳۸۹).
۱۲. خالدی، حسین و محمد علی میرزایی و بهادر غلامی، «بررسی ژئوپلیتیک شیعه پس از سقوط صدام و پیامدهای منطقه‌ای ناشی از آن»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، (۱۶ و ۱۷ آبان ۱۳۹۱).
۱۳. خواجه سروی، غلام‌رضا و مریم رحمانی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و گفت‌وگوهای سیاسی شیعه در عراق»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۳.
۱۴. زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله‌پور (۱۳۸۸)، «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق»، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۴.
۱۵. شاناهان، راجر (۱۳۸۶)، «توسعه سیاسی شیعه در عراق: حزب اسلامی الدعوه»، ترجمه سید ناصر میری در: مجموعه مقالات کتاب سامان سیاسی در عراق جدید، به کوشش امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی‌نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۱۶. عرشیان، ابوذر (۱۳۸۸)، جنگ سلطه: تحلیلی بر جهت‌گیری آمریکا در اشغال عراق و تشکیل دولت وحدت ملی. قم: انتشارات اعتدال، معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه پاسداران.
۱۷. عطایی، فرهاد و روح‌الله قادری کنگاوری و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: ایران و آمریکا در عراق جدید»، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۳.
۱۸. غفاری هشت جبین، زاهد و هابیل حیدر خانی، «تعامل میان ایران و شیعیان عراق بعد از صدام و واکنش کشورهای عربی به آن»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، (۱۶ و ۱۷ آبان ۱۳۹۱).
۱۹. فوزی، یحیی (۱۳۸۶)، «استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی»، مجله پژوهش‌نامه متین، شش ۳۴/۳۵.
۲۰. کاویانی راد، مراد و چمران بویه (۱۳۹۱)، «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش ۱.
۲۱. مریچی، شمس‌الله (۱۳۸۷)، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق. قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. مطهر نیا، مهدی (۱۳۸۹)، «قدرت در پژواک انواع (سخت؛ نرم؛ هوشمند؛ غوی؛ هنرمندانه و هوشمندانه)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
۲۳. نادری، احمد (۱۳۸۶)، گفتمان جنبش شیعی عراق: بررسی انسان‌شناختی. تهران: نشر نزدیک.
۲۴. نادری دوست، علی (۱۳۸۶)، شیعیان عراق نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی عراق و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. قم: انتشارات آشیانه مهر مجمع جهانی شیعه‌شناسی.
۲۵. نای، جوزف. اس (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ چهارم.
۲۶. نجفی، پیروز (۱۳۸۷)، عراق از استعمار تا انشعاب. نجف آباد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۷. بیلاقی، رحمان (۱۳۹۰)، حمله نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر شکاف‌های قومی و مذهبی این کشور. تهران: انتشارات فکر آذین.
۲۸. آشنایی با سازمان مجاهدین خلق، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن نجات، قابل بازیابی در:  
[http://www.nejatngo.org/fa/analyse.aspx?v=MKO\\_glance](http://www.nejatngo.org/fa/analyse.aspx?v=MKO_glance)
۲۹. پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام، ۸ مرداد ۱۳۸۶، قابل بازیابی در:  
<http://www.asnoor.ir/Public/News/ViewNews.aspx?Code=184411>
۳۰. رمضان‌زاده، اکبر. روابط ایران و عراق پس از پایان جنگ مسائل و تحلیل‌ها، سایت پژوهشگاه فرهنگ و معارف دفاع مقدس، به نقل از ماهنامه نگاه ش ۱۶، ۱۵، ۲۰ آذر ۱۳۸۹، قابل بازیابی در:  
<http://dsrc.ir/View/article.aspx>
۳۱. روابط تجاری دوجانبه عراق با ایران، دفتر بازرگانی عربی - آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران، آبان ۱۳۹۱، قابل بازیابی در:  
<http://fa.tpo.ir/DataCategory/ItemViewDetail.aspx>
۳۲. ستاد بازسازی عتبات عالیات، معرفی ستاد، قابل بازیابی در: ۱۳۹۲، <http://atabat.org>.

## (ب) خارجی

33. Kurth, James (2006), Humanitarian Intervention After Iraq: Legal Ideals vs. Military Realities, Foreign Policy Research Institute.,
34. Nossel, Suzanne (2004), "Smart Power, Foreign Affairs", Foreign Affairs, Foreign Affairs, March /April.
35. Nye, Joseph, Soft Power and the struggle Against Terrorism, Apr 2004.
36. Wang, Bo (2007), The Iraq War and the New Iran-Iraq Relations, Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia), Vol. 1, No. 1.